

دموکراسی در ایران و دموکراسی در آمریکا (تحلیل ساختاری و تئوریک)

دکتر مصطفی مصلح‌زاده*

چکیده

بررسی تطبیقی نهادهای اساسی ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی، موضوع محوری مقاله حاضر است و نگارنده می‌کوشد با معرفی چنین نهادهایی در این دو کشور، همچون پارلمان، قوه مجریه و قوه قضائیه، تفاوتها و تشابهات آنها را بیان نموده و با مقایسه انواع قانونها در حکومت دینی و در حقوق اساسی مدرن، به تحلیل ساختاری و تئوریک در ایران و آمریکا بپردازد.

مؤلف در این راستا تلاش دارد نشان دهد که به ساز و کارهای حقوقی مختلف (که امروز در سیاستهای مدرن به کار گرفته می‌شود) در تئوری شیعه پیش‌بینی گردیده است و به عنوان مثال، مطلقه بودن ولایت فقیه، نه تنها به معنی دیکتاتوری و بی‌قانونی نیست بلکه اختیاراتی است که به عنوان یک ساز و کار حقوقی مدرن در قانون اساسی جمهوری اسلامی برای رهبری پیش‌بینی شده است.

کلید واژه: دموکراسی، پارلمان، حقوق اساسی، ولایت مطلقه فقیه، دیکتاتوری.

مقدمه

در سال ۱۷۷۵ م کنگره‌ای در فیلادلفیای امریکا برگزار شد که استقلال سیزده مستعمره آمریکایی را از انگلستان اعلام کرد. در ۱۷ سپتامبر ۱۷۷۸ دولت ایالات متحده امریکا تأسیس و قانون اساسی آن در پارلمانهای سیزده گانه تصویب شد که ۷ ماده اصلی و ۲۲ ماده الحاقی داشت. طبق این قانون اساسی، ریاست کشور و ریاست قوه مجریه به عهده رئیس جمهور است که توسط مردم انتخاب می‌شود. او اعضای دیوان عالی (قوه قضاییه) و هیئت وزیران را انتخاب می‌کند.

کنگره مرکب از دو مجلس منتخب مردم به نام نمایندگان و سنا می‌باشد. رئیس جمهور و وزرا در برابر مجلس هیچ مسئولیتی ندارند یعنی نه لازم است وزیران رأی اعتماد بگیرند و نه کنگره می‌تواند رئیس جمهور و وزیران را استیضاح کند؛ مگر اینکه رئیس جمهور مرتکب خیانت بزرگ شود. آنگاه کنگره به ریاست رئیس دیوانعالی به اتهامات او رسیدگی می‌کند و با رأی ۲/۳ اعضای کنگره عزل می‌شود. رئیس جمهور حق انحلال هیچ‌یک از مجالس را ندارد؛ اما می‌تواند با مصوبات خود آن‌را به حالت تعلیق در آورد. همچنین دیوان عالی می‌تواند مصوبات کنگره را مغایر قانون اساسی اعلام و آنها را لغو کند.

امریکا دارای ۵۲ ایالت است که هر ایالت یک مجلس سنا و یک مجلس نمایندگان دارد که به ترکیب آن دو مجمع می‌گویند (به جز ایالت نبراسکا که فقط یک مجلس دارد). قوه مجریه هر ایالت توسط فرماندار که به وسیله مردم همان ایالت انتخاب می‌شود، اداره می‌شود. قوه قضاییه هر ایالت هم مرکب از دیوانعالی، دادگاههای بخش و قاضی صلح می‌باشد.

در ایران اولین قانون اساسی پس از پیروزی نهضت مشروطه در ۱۲۸۵ ش به تصویب مجلس رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی قانون اساسی جدیدی با ۱۲ فصل و ۱۵۵ اصل تهیه شد که در همه پرسی ۱۳۵۸ اکثریت قاطع مردم ایران آن را تأیید کردند. سپس در ۱۳۶۸ اصلاحاتی در قانون اساسی صورت گرفت که به موجب آن ۲ فصل و ۲۲ اصل نیز به قانون اساسی اضافه شد. طبق این قانون اساسی ریاست کشور به عهده رهبری است که توسط

مجلس خبرگان انتخاب می‌شود. اعضای مجلس خبرگان توسط مردم انتخاب می‌شوند و می‌توانند رهبر را عزل کنند. اختیارات قوه مجریه بین رهبر و رئیس جمهور تقسیم شده است. بدین‌گونه که نصب و عزل فرماندهان نظامی، رئیس قوه قضائیه، اعضای مجمع مصلحت، فقهای شورای نگهبان و رئیس صدا و سیما با رهبری است؛ ولی نصب و عزل وزراء، سفراء، استانداران، رؤسای سازمانهای دولتی و اعضای شوراهای عالی کشور با رئیس جمهوری است. پارلمان فقط از یک مجلس به نام مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌شود که نمایندگان آن منتخب مردم‌اند. مجلس باید به وزرا رای اعتماد دهد. همچنین می‌تواند وزرا را عزل کند.

همچنین می‌تواند با $\frac{2}{3}$ آرا خواستار عزل رئیس جمهور از رهبری شود. کشور نیز می‌تواند خواستار عزل رئیس جمهور از رهبری شود.

مجلس شورای اسلامی (مثل کنگره آمریکا) از انحلال مصون است و رئیس جمهور حق وتوی مصوبات مجلس را ندارد؛ اما شورای نگهبان (مثل دیوان عالی آمریکا) می‌تواند مصوبات مجلس را مغایر قانون اساسی تشخیص دهد و رد کند. آنگاه مجلس می‌تواند از مجمع مصلحت خواستار تصویب آن شود.

ساختار حقوقی ایالات متحده آمریکا

الف) پارلمان آمریکا

کنگره^۱ ایالات متحده آمریکا بدنه قانون‌گذاری حکومت آن کشور است که از دو بخش مجلس سنا^۲ و مجلس نمایندگان^۳ تشکیل می‌شود. یک لایحه هنگامی ارزش قانونی پیدا می‌کند که به تصویب هر دو مجلس برسد و به وسیله رئیس جمهور توشیح شود.

مجلس نمایندگان: نمایندگان مجلس در انتخابات عمومی برای دو سال انتخاب می‌شوند و تعداد آنها ۴۳۵ نفر است که بنابر جمعیت هر ایالت تعداد نمایندگان ایالت تعیین می‌شود.

1. congress.

2. senate.

3. house of representative.

شرایط کاندیدا توری داشتن حداقل ۲۵ سال سن و تابعیت امریکا و سکونت در ایالت است. رئیس^۱ مجلس توسط نمایندگان انتخاب می‌شود که به سخنگو^۲ معروف است. طریقه ریاست وی در مجلس می‌تواند در نتیجه حاصله مؤثر باشد. به اضافه اینکه قبل از به شور گذاشتن یک لایحه، رئیس می‌تواند آن را به کمیسیونی که با لایحه مزبور نظر موافق و یا مخالف دارد، بفرستد. گاهی وی با رهبران کنگره توافق می‌کند که بحث و شور در مورد یک لایحه به روش خاصی تعقیب شود. بدین ترتیب او به گونه‌های خاصی می‌تواند در سرنوشت یک لایحه تأثیر مثبت یا منفی بگذارد.^۳

مجلس سنا؛ سناتورهای این مجلس برای مدت ۶ سال توسط مردم انتخاب می‌شوند و هر ایالت ۲ نفر را برای مجلس سنا انتخاب می‌کنند. شرایط کاندیداتوری داشتن حداقل ۳۰ سال سن و تابعیت امریکا و سکونت در ایالت است. ریاست^۴ مجلس سنا همان معاون رئیس جمهور است که در انتخابات ریاست جمهوری تعیین می‌شود. در مواردی که تعداد رأی موافق و مخالف لوایح مساوی باشد، نظر رئیس سنا تعیین کننده است.^۵

بعد از رؤسای دو مجلس، رؤسای فراکسیونهای حزب دموکرات و حزب جمهوری خواه در مجلس نمایندگان و سنا مهم‌ترین شخصیت‌های کنگره‌اند. وظیفه آنها تنظیم سیاست حزب و هدایت مجلس است. به همین دلیل هر یک از آنان به کمک معاون خود^۶ اعضای حزب را در مورد تصمیمات متخذه متقاعد می‌کند.

از ارکان دیگر کنگره کمیسیونهای دائمی است. اعضای این کمیسیونهای تخصصی بیشتر براساس قدمت کار هر نماینده در هر کمیسیون تعیین می‌شوند.^۷

1. sayre, p. 65-6.

2. Speaker.

3. sayre, p. 64.

4. Sayre, p. 67.

6. whip.

۵. تنک، آندره، ص ۴۶.

۷. تنک، ص ۴۸.

هر لایحه قبل از اینکه در مجلس مورد شور واقع شود، در کمیسیونها رسیدگی می‌شود. در حقیقت سرنوشت لایحه قانونی بسته به نظر این کمیسیونهاست. آنها می‌توانند لایحه را با یک گزارش موافق یا مخالف به مجلس قانون‌گذاری خود تقدیم کنند؛ ولی ساده‌تر از آن می‌توانند لایحه را بایگانی و از طرح آن جلوگیری کنند.^۱ نقش اعضای دو حزب مذکور در این کمیسیونها بسیار اساسی است.

ب) قوه مجریه آمریکا

در آمریکا رئیس‌جمهور^۲ و معاون او هر چهار سال یک‌بار با آرای مردم انتخاب می‌شوند. رئیس‌جمهور، نه تنها رئیس قوه مجریه است؛ بلکه به عنوان رئیس کشور دارای اختیارات وسیعی است. او در مقابل کنگره می‌تواند از حق وتوی تعلیقی استفاده کند؛ بدین‌گونه که با وتوی مصوبه کنگره، آن را به حالت تعلیق در می‌آورد. کنگره برای اینکه بتواند وتوی رئیس‌جمهور را بی اثر کند، باید با تصویب دو سوم اعضا کنگره، مصوبه خود را قانونی سازد. در این صورت، رئیس‌جمهور باید آن را بپذیرد؛ اما باید توجه داشت جمع‌آوری آرای دو سوم در کنگره علیه وتوی رئیس‌جمهور بسیار مشکل است. همچنانکه رئیس‌جمهور آمریکا از هر حزبی باشد، مسلماً فراقسیون آن حزب از رئیس‌جمهور طرفداری خواهد کرد و اجازه نخواهد داد دو سوم رأی علیه نظر رئیس‌جمهور فراهم شود.

به همین دلیل معمولاً وتوی رئیس‌جمهور موجب بایگانی شدن مصوبه کنگره می‌شود. به‌طور متوسط رؤسای‌جمهور، ۱۰٪ مصوبات کنگره را وتو می‌کنند.^۳

رئیس‌جمهور می‌تواند کنگره را به تشکیل جلسه ویژه فرا بخواند. رئیس‌جمهور حق عزل و نصب وزراء، سفرا و رؤسای سازمانهای دولتی را دارد. وزیران، سکرتر یا منشی رئیس

1. sayre, p. 70.

2. President of United States.

جمهورند^۱ و در جلسه کابینه، وزیران، رأی مشورتی به رئیس جمهور می‌دهند و تصمیم‌نهایی را رئیس جمهور می‌گیرد؛ حتی اگر کلیه وزرا با تصمیم او مخالف باشند.^۲

رئیس جمهور امضای معاهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی را به‌عهده دارد؛ البته رسمیت دو اقدام فوق با تایید سنا تحقق می‌یابد. بدین‌گونه که رئیس جمهور لیست کامل اسامی وزراء، سفرا و رؤسای سازمانها را به سنا ارائه می‌دهد که عموماً مورد تایید سنا قرار می‌گیرند؛ زیرا در تاریخ آمریکا که تا به‌حال هزاران نفر به این سمت‌ها نصب شده‌اند، کمتر از ۱۰ وزیر مورد مخالفت سنا واقع شده‌اند.

رئیس جمهور فرمانده کل نیروهای مسلح امریکاست. رئیس جمهور، حق عفو یا تخفیف مجازات محکومان را داراست. رئیس جمهور، خط مشی کلی سیاست خارجی کشور را تعیین می‌کند و حیات سیاسی ملت به او سپرده می‌شود؛ زیرا نماینده همه مردم امریکا محسوب می‌شود و اصولاً باید منافع تمام جامعه را در نظر بگیرد.

رئیس جمهور و وزرا در برابر کنگره مسئول نمی‌باشند؛ کنگره نمی‌تواند آنها را استیضاح و عزل کند؛ مگر اینکه رئیس جمهور مرتکب خیانت بزرگ^۳ به کشور، مردم و منافع ملی شود. در آن صورت باید اتهام رئیس جمهور در یکی از کمیسیونهای کنگره مطرح و تصویب شود. سپس موضوع در مجلس نمایندگان مطرح شود. اگر حداقل دوسوم نمایندگان اتهام فوق را تایید کنند، در جلسه سنا به ریاست رئیس قوه قضاییه موضوع رسیدگی می‌شود که اگر دست‌کم دوسوم سناتورها خیانت را تایید کنند، رئیس جمهور عزل می‌شود. فرایند فوق در تاریخ امریکا فقط دوبار اتفاق افتاده است که هیچ‌کدام به عزل رئیس جمهور منجر نشده است. به همین دلیل می‌توان گفت که این ابزار کنترل عملاً مؤثر نیست.

رئیس جمهور امریکا دارای یک معاون است که در صورت فوت، استعفا یا عزل رئیس جمهور، براساس قانون اساسی، باقیمانده دوره ریاست جمهوری را به‌عهده می‌گیرد. (مانند

۱. به همین دلیل در آمریکا برای وزیر و اژه Secretary به کار می‌رود؛ نه Minister.

۲. گودمه، پل ماری، ص ۵۲.

ریاست جمهوری جانسون پس از قتل‌کنندگی (معاون رئیس جمهور در انتخابات رئیس جمهور مشخص می‌شود و ریاست مجلس سنا به معاون رئیس جمهور سپرده می‌شود. یکی دیگر از اختیارات مهم رئیس جمهور آمریکا، انتخاب رئیس و قضات دیوان عالی فدرال است (که رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای عالی قضایی آمریکا محسوب می‌شوند.) افراد فوق مادام‌العمر منصوب می‌شوند و در صورت فوت یا عدم توانایی آنها، رئیس جمهور افرادی را جاگزین آنها می‌کند.

ج) قوه قضاییه آمریکا

همان‌گونه که در بخش قبل گفته شد، در رأس قوه قضاییه، دیوان عالی فدرال^۱ قرار دارد.^۲ اعضای این دیوان ۹ نفرند که همگی با انتخاب رئیس جمهور و با موافقت اکثریت مجلس سنا منصوب می‌شوند.^۳ این قضات تا زمانی که قادر به انجام وظیفه باشند، در سمت خود مشغول به کار خواهند بود. جلسات دیوان با حضور ۶ نفر رسمیت می‌یابد. دیوان عالی می‌تواند تمام لوایحی را که به تصویب کنگره و رئیس جمهور رسیده باشد، مغایر قانون اساسی اعلام و لغو کند؛ زیرا تفسیر قانون اساسی و حفظ آن از وظایف این دیوان است. رسیدگی به بسیاری از جرائم و اختلافات افراد در ایالات، در دادگاه آن ایالت و با توجه به قانون همان ایالت است و تجدید نظر در این رأی در دیوان عالی میسر است که رأی نهایی خواهد بود.

نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران و بررسی تطبیقی با آمریکا

الف) پارلمان

در سیستم «یک مجلسی» مثل ایران، قانون‌گذاری، در اختیار یک مجلس قرار می‌گیرد؛ لذا در

1. Supreme court.

۲. قانون اساسی آمریکا، اصل ۳.

۳. همان‌طور که در بخش اول گفته شد، موافقت مجلس سنا عملاً تشریفاتی شده است؛ زیرا عموماً هر کس توسط رئیس جمهور انتخاب می‌شود، مورد تأیید مجلس سنا قرار می‌گیرد.

مقایسه با مجالس دوگانه آمریکا که با هم رقابت دارند و قوه مجریه می‌تواند از رقابت آنها بهره‌مند شود، مجلس ایران، مجلس قدرتمندتری است. اگر نامزدها در دور اول انتخابات اکثریت لازم را کسب نکنند، انتخابات دور دوم بین نامزدهایی که بالاترین رأی را آورده‌اند، صورت می‌گیرد. بدین‌گونه که دو برابر تعداد لازم از نامزدها در مرحله دوم شرکت می‌کنند. در ایران به عنوان علی‌البدل فردی نمایندگی وجود ندارد؛ لذا در صورت فوت، از کارافتادگی یا وزیر شدن یک نماینده، انتخابات مجددی انجام می‌گیرد تا جانشین او مشخص شود.

هیئت رئیسه مجلس در ایران شامل رئیس، ۲ معاون، ۶ منشی و ۳ کارپرداز است. دستور جلسه مجلس فقط توسط هیئت رئیسه تعیین می‌شود؛ ولی برای تغییر دستور جلسه لازم است از نمایندگان رأی‌گیری به عمل آید. دولت در مورد دستور جلسات مجلس هیچ‌گونه حق دخالت ندارد.^۱

عناوین کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی ایران از این قرارند:^۲

۱. امنیت و سیاست خارجی، ۲. اصل ۹۰، ۳. قضایی و حقوقی، ۴. صنایع و معادن، ۵. کشاورزی، ۶. برنامه و بودجه، ۷. بهداشت و درمان، ۸. آموزش تحقیقات، ۹. انرژی، ۱۰. عمران، ۱۱. فرهنگی، ۱۲. اجتماعی، ۱۳. آیین‌نامه، ۱۴. اقتصاد.
- نمایندگان در ایران نمی‌توانند مشاغل اجرایی داشته باشند با عضو شورای نگهبان باشند. مجلس ایران در طول سال، جلسات مداوم دارد و تعطیلات مجلس به دو نوع تقسیم می‌شود: یک ماه تعطیل تابستانی و یک هفته تعطیل در هر ماه. البته دولت^۳ یا حداقل ۵۰ نفر از نمایندگان مجلس می‌توانند در خواست اجلاس فوق‌العاده کنند.
- پارلمان ایران هیچ محدودیتی در موضوعات قانون‌گذاری ندارد. و در هر موضوعی

۱. صفار، محمدجواد، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۴.

۲. آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی.

۳. همان.

می‌تواند قانون وضع کند؛ حتی چند مورد مثل عقد قراردادهای خارجی و استخدام مستشاران خارجی، تعیین خطوط مرزی و انتقال اموال دولتی، بدون مجوز مجلس امکان پذیر نیست. مجلس از نظر اداری و استخدامی و مالی و تعیین بودجه خود، کاملاً استقلال دارد و تحت کنترل دولت نیست. همچنین می‌تواند در امور کشور تحقیق و تفحص کند یا در کمیسیون اصل ۹۰ به بررسی شکایت پردازد و به ارگانهای کشور تذکر دهد. مهم‌تر اینکه کلیه مصوبات هیئت وزیران باید به تأیید رئیس مجلس برسد تا با قوانین مجلس مغایرتی نداشته باشد. در مجلس ایران متن اصلاح شده کمیسیونها رأی گیری می‌شود که درجه اهمیت قانون اساسی به نظرات نمایندگان مجلس را نشان می‌دهد.

مجلس ایران می‌تواند با پیشنهاد یک سوم نمایندگان، رئیس جمهور را استیضاح کند و با رأی دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت او رأی دهد و جهت امضا به اطلاع رهبر برساند. در ایران شرط خیانت بزرگ برای استیضاح ذکر نشده است. مجلس می‌تواند به پیشنهاد ۱۰ نماینده، وزیران را استیضاح کند و رأی عدم اعتماد به آنها بدهد.^۱ نمایندگان مجلس ایران نمی‌توانند پیشنهادی که منجر به کسر در آمد یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود، مطرح کنند.

ب) شورای نگهبان

در ایران، شورای نگهبان، کنترل مصوبات مجلس و دولت را به عهده دارد تا مانع نقض قانون اساسی شود.

اعضای آن ۱۲ نفرند و از دو گروه تشکیل می‌شوند: گروه ۶ نفره فقها که توسط رهبر انتخاب می‌شوند و گروه ۶ نفره حقوقدانان که توسط مجلس انتخاب می‌شوند.^۲ (البته مجلس از بین نامزدهایی که رئیس قوه قضاییه معرفی می‌کند، ۶ حقوقدان را انتخاب می‌کند.)

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۸۹.

۲. همان، اصل ۹۱.

عضویت شورای نگهبان منعی از پذیرش مشاغل دیگر ایجاد نمی‌کند. عضویت افراد شورا قابل تمدید است. جلسات شورا غیر علنی است و با حضور ۸ نفر رسمی خواهد بود و تصمیمات با اکثریت آرا اتخاذ می‌شود. برای اعلام عدم مغایرت با قانون اساسی رأی اکثریت اعضا ملاک است و در اعلان عدم مغایرت با اصول شریعت، رأی اکثریت فقها ملاک است. مهلت شورا برای اعلام نظر ۱۰ روز است که می‌تواند ۱۰ روز دیگر نیز از مجلس مهلت بگیرد؛ البته در مورد طرحها و لوایحی که قید فوریت دارند، اعضای شورا باید در مجلس حضور پیدا کنند و فوراً نسبت به مصوبه مجلس اعلام نظر کنند. پس از پایان مهلت، مصوبه بدون نظر شورا جهت توشیح رئیس جمهور ارسال می‌شود.

مواردی که تصمیمات مجلس نیازی به اعلام نظر شورا ندارد، از این قرارند:

تصویب اعتبار نامه نمایندگان، انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان، سؤال و استیضاح و احضار مسئولان مجریه، رأی اعتماد به وزرا، تحقیق و تفحص، رسیدگی به شکایت مردم و وظایف و اختیارات شورای نگهبان از این قرار است: ۱. نظارت بر کلیه انتخابات و همه پرسی. ۲. رسیدگی به اعتراضات مربوط به انتخابات. ۳. اعلان نتیجه انتخابات. ۴. بررسی کلیه مصوبات مجلس جهت اعلان مغایرت با قانون اساسی و قوانین دینی. ۵. تفسیر قانون اساسی با تصویب ۷۵٪ اعضا. ۶. تشخیص عدم مغایرت مصوبات دولت با قانون اساسی و قوانین دینی.

ج) بررسی تطبیقی سیستمها با توجه به ارگانهای قوه مجریه

سیستمهای ریاستی^۴ تک ارگانی^۵ هستند؛ بدین‌گونه که فقط یک نهاد در رأس قوه مجریه

۱. همان، اصل ۹۹.

۲. همان، اصل ۹۶.

۳. همان، اصل ۹۶.

4. Presidential.

5. Monistic.

قرار گرفته است؛ مثل آمریکا که رئیس جمهور هم رئیس «دولت کشور» است و هم رئیس قوه مجریه و هیأت وزیران و هم فرمانده نیروهای مسلح. در عین حال او اعضای شورای عالی قضایی را تعیین می کند و حق وتوی تعلیقی مصوبات کنگره را نیز دارد.^۱

بقیه سیستمها دو ارگانی^۲ هستند؛ بدین گونه که اختیارات اجرایی بین دو نهاد تقسیم شده است. این «تقسیم قدرت» به انواع مختلف صورت می گیرد. یک نمونه آن تقسیم قدرت بین پادشاه و نخست وزیر در انگلستان است. با اینکه نخست وزیر نقشی در انتخاب شاه ندارد، ولی؛ شاه در انتخاب او نقش دارد و کاملاً هماهنگ با یکدیگر عمل می کنند، یعنی معمولاً رئیس کشور (پادشاه) سعی می کند از اختیاراتش بدون هماهنگی با نخست وزیر استفاده نکند. همچنین اگر نخست وزیر در خواستی ارائه کرد، وی متناسب با آن در خواست، بر اساس اختیارات خود دستورات لازم را صادر کند، هم در امور قضایی، هم در سیاست خارجی، هم در امور نظامی، هم در انتصاب وزیران و هم در موارد ویژه‌ای، مثل انحلال پارلمان.^۳

نکته ای که باید توجه کرد اینکه رئیس کشور در قبال هیچ نهادی پاسخگو نیست و نمی توان او را مؤاخذه کرد.

نمونه‌های دیگر تقسیم قدرت بین: پادشاه و نخست وزیر در اردن، رئیس جمهور و صدراعظم در آلمان، رئیس جمهور و نخست وزیر در روسیه، رهبر حزب کمونیست و رئیس جمهور و نخست وزیر در چین، رئیس جمهور و نخست وزیر در آمریکا، رهبر و رئیس جمهور در ایران، در این تحقیق طبیعتاً بین سیستمهای آمریکا و ایران مقایسه صورت می گیرد.

د) رئیس دولت کشور یا دولت ملت (Nation - State)

در عالی ترین سطح اجرایی، مقام ریاست «دولت - کشور» قرار گرفته است. این نهاد، شاخص

۱. تنک، ص ۱۶۷.

2. Dualistic.

۳. گودمه، ص ۷۳ - ۸۴.

جامعه سیاسی و نمای موجودیت یک کشور به‌شمار می‌آید^۱ و گاه به تعابیر دیگری، مثل سران کشورها و رهبران کشورها نیز از این مقام یاد می‌شود.

در ایران «رهبری» چنین مقامی را به‌عهده دارد که به‌طور غیر مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شود. بدین‌گونه که مردم مجلس خبرگان را برای مدت ۸ سال انتخاب می‌کنند و مجلس خبرگان رهبر را انتخاب می‌کند که در مجالس بعدی نیز قابل تمدید است؛ یعنی مثل رئیس جمهور امریکا محدودیتی برای انتخاب رهبر در دوره‌های متعدد وجود ندارد.

شرایط احراز نامزدی برای رهبر ایران که بسیار سخت‌تر و پیچیده‌تر از امریکا است،

چنین است:^۲

۱. اجتهاد در فقه که منظور آگاهی سطح بالا از مقررات دینی است.

۲. آگاهی به امور سیاسی و بین‌المللی.

۳. سوابق خوب در مدیریت.

۴. شجاعت.

۵. تقوی و عدالت.

وظایف و اختیارات رهبری

۱. تعیین سیاست‌های کلی کشور، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی کشور.

۳. فرمان همه پرسى.

۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح و تعیین فرماندهان نظامی و انتظامی.

۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۶. نصب و عزل شش عضو شورای نگهبان.

۱. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ص ۵۵۷.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۰۹.

۷. نصب رئیس قوه قضائیه.
۸. نصب رئیس سازمان صداوسیما.
۹. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.
۱۰. اتخاذ تصمیمات فوق عادی (از طریق مجمع تشخیص مصلحت) در مورد معضلات کشور که از طریق عادی قابل حل نیست.
۱۱. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم.
۱۲. عزل رئیس جمهور (که مقام دوم کشور است) پس از حکم دیوان عالی کشور مبنی بر تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس مبنی بر عدم کفایت وی.
۱۳. عفو یا تخفیف مجازات محکومان با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.
۱۴. رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.
۱۵. تعیین اعضای مجمع تشخیص مصلحت.^۱
۱۶. صدور حکم تجدید نظر در قانون اساسی، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت.^۲
۱۷. تعیین دو نماینده برای شورای عالی امنیت ملی و لزوم تأیید مصوبات شورا توسط رهبری.^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

تشابهات

۱. فرماندهی کل قوا و تعیین فرماندهان نظامی.
۲. حق عفو یا تخفیف مجازات محکومان.
۳. تعیین اعضای شورای حافظ قانون اساسی؛ البته در آمریکا انتصاب ۱۰۰٪ اعضای دیوان عالی به عهده رهبر کشور است؛ ولی در ایران انتصاب ۵۰٪ اعضای شورای نگهبان به عهده

۱. همان، اصل ۱۱۲.

۲. همان، اصل ۱۷۷.

۳. همان، اصل ۱۷۶.

رهبر کشور است.

۴. کنترل کامل بر قوه قضائیه؛ بدین‌گونه که در امریکا رهبر کشور کلیه اعضای دیوان عالی را منصوب می‌کند؛ ولی در ایران رهبر فقط رئیس قوه قضائیه را تعیین می‌کند.
۵. تعیین^۱ سیاستهای کلان دولت و نظارت بر اجرای سیاستهای کلی کشور.
۶. اعلان جنگ و صلح که در امریکا به تأیید سنا هم نیاز دارد.
۷. حق انحلال مجلس در دو کشور وجود ندارد.

تفاوتها

۱. در آمریکا فرماندهی کل قوا و ریاست شورای عالی امنیت در اختیار رئیس جمهور است؛ ولی در ایران فرماندهی کل قوا در اختیار مقام اول کشور و ریاست شورای عالی امنیت در اختیار مقام دوم است؛ البته مصوبات آن باید به تأیید مقام اول برسد.
۲. در امریکا مقام اول از طریق انتخابات مستقیم مردم تعیین می‌شود؛ ولی در ایران مقام اول از طریق انتخابات غیر مستقیم مردم (توسط مجلس خبرگان منتخب مردم) تعیین می‌شود.^۲
۳. در امریکا مقام اول در مقابل پارلمان هیچ مسئولیتی ندارد؛ مگر اینکه خیانت بزرگ ملی مرتکب شود یا در انجام وظایف خود قصور کند؛^۳ ولی در ایران، مقام اول در مقابل مجلس خبرگان مسئول است و اگر شرایط رهبری را که در قانون اساسی آمده است، از دست دهد، توسط مجلس خبرگان عزل می‌شود؛^۴ البته هر دو پیش‌بینی فوق معمولاً اتفاق نمی‌افتد.
۴. در امریکا مقام اول مذاکرات و امضای نهایی عهدنامه‌های بین‌المللی را به‌عهده دارد؛ ولی در ایران این امور از اختیارات مقام دوم است.

۱. همان، اصل ۱۱۰.

۲. همان، اصل ۱۰۸.

۳. قانون اساسی فرانسه، اصل ۶۸.

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۱۱.

۵. در امریکا هئیت وزیران به ریاست مقام اوّل تشکیل می‌شود و مصوبات آن به امضای او نیاز دارد؛ ولی در ایران هردو اختیار فوق مربوط به مقام دوم است.
۶. در امریکا اعطای استوارنامه به سفرا و پذیرش سفرای خارجی به‌عهده مقام اول است؛ ولی در ایران مقام دوّم آن‌را به‌عهده دارد.
۷. در امریکا مقام اوّل می‌تواند مصوبات پارلمان را توشیح نکند و برای بحث مجدد به مجلس برگرداند؛ ولی در ایران مقامات سیاسی چنین اختیاری ندارند.
- شایان ذکر است که حق وتوی رئیس جمهور امریکا که آن را «وتوی تعلیقی» می‌نامند، با وتوی شورای نگهبان کاملاً متفاوت است؛ زیرا وتوی این شورا جنبه حقوقی دارد و باید به اصول قانون اساسی یا اصول شرعی استناد شود تا به‌دلیل مغایرت مصوبات مجلس آن را لغو کنند؛ ولی وتوی رئیس جمهور امریکا جنبه سیاسی دارد و نیازی نیست که به مواد قانون اساسی استناد شود؛ بلکه رئیس جمهور تنها مخالفت خود را ابراز می‌کند.

ه) مقام دوم در ایران

در ایران، رئیس جمهور چنین مقامی را به‌عهده دارد که به‌طور مستقیم توسط مردم برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود و به‌طور متوالی فقط دوبار می‌تواند نامزد رئیس جمهوری می‌شود.

نامزدی او باید توسط شورای نگهبان تأیید شد تا معلوم شود شرایط مندرج در قانون اساسی را دارد یا خیر. رئیس جمهور با اکثریت مطلق آرای شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود؛ ولی اگر در دور نخست هیچ‌یک از نامزدها چنین اکثریتی را به‌دست نیاورند، هفته بعد و در مرحله دوم، دو نفر از حائزین بالاترین آراء به رقابت می‌پردازند تا یکی به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب شود.

این انتخاب، باید حداقل یک‌ماه قبل از پایان دوره ریاست جمهوری انجام شود اگر درفاصله ده روز قبل از رأی‌گیری، یکی از نامزدها فوت کند، انتخابات دو هفته به تأخیر

خواهد افتاد.

شرایط احراز نامزدی به‌جز تابعیت و ایرانی الاصل بودن و اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور، از این قرار است:

۱. از رجال سیاسی بودن.

۲. از رجال مذهبی بودن.

۳. مدیر و مدبر بودن.

۴. دارا بودن حسن سابقه و تقوی.

این شرایط اصلاً در امریکا مطرح نیست

وظایف و اختیارات رئیس جمهور ایران از این قرار است:

۱. اعطای نشانهای دولتی.

۲. تعیین وزیران و پیشنهاد آن جهت رأی اعتماد به مجلس.

عزل یا پذیرش استعفای وزیران. به همین دلیل رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌های

بدون وزیر تا ۳ ماه سرپرست تعیین کند. (در ایران ۲۲ وزارتخانه وجود دارد).

۳. ریاست هیئت وزیران.

۴. ریاست شوراهای عالی کشور، مثل شورای عالی امنیت، اقتصاد، فرهنگ، اداری

۵. امضای استوارنامه سفیران و پذیرش استوارنامه سفرای خارجی.

۶. تعیین رؤسای سازمانهای دولتی.

۷. رئیس جمهور در ابتدای کار در مجلس سوگند یاد می‌کند.

۸. امضای عهدنامه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس باریس جمهور است.

۹. سازمان مدیریت و بودجه کشور زیر نظر مستقیم رئیس جمهور است.

۱۰. رئیس جمهور در برابر ملت، رهبر و مجلس مسئول است.

۱۱. رئیس جمهور موظف است کلیه قوانین و نتیجه همه پرس‌ی را امضا و جهت اجرا ابلاغ

کند. (حق وتو و تأخیر ندارد.)

۱۲. رئیس جمهور به هر تعداد که لازم بداند، معاون برای خود انتخاب می‌کند و معاون اول او می‌تواند ریاست هیئت وزیران را به‌عهده بگیرد.

تشابهات و تفاوتها

از مقایسه مقام دوم ایران با مقام اول آمریکا این نتایج به‌دست می‌آید. مشترکات اختیارات آنها قبلاً اشاره شد، مثل: انتخابات مستقیم، مذاکرات و امضای عهدنامه‌های بین‌المللی و اعطای استوارنامه به سفراء، رئیس شورای عالی امنیت، ریاست هیئت وزیران، اعطای نشانهای دولتی، مسئولیت اجرای قوانین، امکان مورد سؤال و استیضاح واقع شدن از طرف مجلس (البته در آمریکا فقط استیضاح است، آن هم با احتمال خیلی کمتر)، پیشنهاد افراد هیئت وزیران به مجلس (در آمریکا تایید سنا تقریباً تشریفاتی است). سه مورد آخر اختیارات رئیس جمهور ایران از موارد اختلاف است.

و) قوه قضائیه

قوه قضائیه ایران شورایی نیست و رئیس قوه که باید مدیر و آگاه به امور قضایی باشد، توسط رهبر تعیین می‌شود.^۱

رئیس قوه پس از مشورت با قضات دیوان عالی، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان را تعیین می‌کند.^۲

سازمان بازرسی کل کشور که کنترل ادارات را برای اجرای صحیح قوانین به‌عهده دارد، زیر نظر رئیس قوه می‌باشد.

محاكم قضایی در ایران به چهار نوع تقسیم می‌شوند:

۱. محاکم عمومی که به کلیه دعاوی رسیدگی می‌کند و در مورد جرائم سیاسی و مطبوعاتی

۱. همان، اصل ۱۵۷.

۲. همان، اصل ۱۶۲.

حضور هیئت منصفه در دادگاه ضروری است.

۲. دادگاههای انقلاب که به فعالیتهای ضد انقلابی و براندازی دولت رسیدگی می‌کند.

۳. محاکم نظامی که به تخلفات نیروهای نظامی و انتظامی در مورد وظایفشان رسیدگی می‌کنند.

۴. دادگاه ویژه روحانیت که مخصوص تخلفات روحانیون است.

در امریکا انواع دادگاهها بر اساس درجه محلی تقسیم می‌شوند: فدرال، ناحیه‌ای، استیناف، ایالات، شهرستان، روستا.

تجزیه و تحلیل نهایی

(الف)

با عنایت به ۴ مشخصه مهم ذیل، ساختار سیاسی حقوقی جمهوری اسلامی ایران را باید یکی از انواع سیستمهای نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی دانست.

۱. پارلمان حق سؤال و استیضاح و عزل و نصب وزیران را دارد.

۲. پارلمان حق سؤال و استیضاح از رئیس هیأت وزیران (مقام دوم کشور) را نیز دارد.

۳. رهبر و رئیس جمهور (مقام اول و دوم کشور) مستقل از پارلمان انتخاب می‌شوند.

(رهبر از طریق مجلس خبرگان منتخب مردم و رئیس جمهور انتخابات مستقیم).

۴. رهبر و رئیس جمهور هر کدام اختیارات مهمی دارند و هیچ‌کدام نقش تشریفاتی در

سیستم ندارند؛ در حالی که سیستم امریکا ریاستی است و رئیس جمهور کلیه اختیارات مجریه را

در اختیار دارد و مستقل از پارلمان انتخاب می‌شود (انتخابات مستقیم) و حق انحلال پارلمان را

ندارد، همان‌گونه که پارلمان نیز حق عزل رئیس جمهور و وزیران را ندارد؛ مگر در

وضعیت ویژه.

(ب)

سیستم امریکا سکولار است، یعنی برای انتخاب رهبران و برای قانون گذاری، تقیدی به

اصول اخلاقی و دینی وجود ندارد؛ ولی سیستم ایران حکومت دینی است و به همین دلیل رهبران باید شرایط اخلاقی و علمی برای تحقق اصول اخلاق و دین را داشته باشند. از طرف دیگر پارلمان، حق وضع قوانین مغایر با قوانین اولیه دینی را ندارد. بنابر این، نقش نهادی که دو پدیده فوق را کنترل می‌کند (شورای نگهبان) مهم‌ترین نقش در سیستم است؛ زیرا هویت سیستم به عملکرد آن بستگی دارد.

اهدافی که تحقق آن، هویت حکومت دینی را تشکیل می‌دهد، علاوه بر نظم،^۱ امنیت،^۲ عدالت،^۳ رفاه و توسعه اجتماعی،^۴ رشد معنوی و اخلاقی مردم^۵ نیز هست، یعنی در کنار اموری مثل رشد تولید، افزایش تخت بیمارستان، ایجاد نیروگاه و آموزش علوم در مدرسه و دانشگاه و حفظ نظم و امنیت اجتماعی، حکومت باید موانع رشد اخلاقی را در جامعه از بین ببرد و علاوه بر آموزش رسمی و آموزش از طریق وسایل ارتباط جمعی، از طریق قانون‌گذاری نیز باعث رشد فضایل اخلاقی و معنویات در جامعه شود.

در قانون‌گذاری حکومت دینی^۶ علاوه بر نیازهای جامعه و منافع اکثریت مردم، اصول اخلاقی، قوانین اولیه دینی و مصلحت هم در نظر گرفته می‌شود؛ لذا سه نوع قانون در حکومت دینی وجود دارد.

۱. قوانین اولیه^۷

- این قوانین توسط خالق هستی وضع شده و در آخرین کتاب آسمانی آمده است، مثل: نماز، جهاد، قصاص، امر به معروف و....

- این قوانین بر اساس فطرت انسان و طبیعت جوامع بشری و متناسب با اصول اکولوژی

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۱۸.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۵۱ و ۲.

۳. همان، ص ۶ و ۲۵۵.

۴. همان، ج ۲۱، ص ۳۷ و ص ۱۸۹.

۵. همان، ج ۱۹، ص ۵۴.

۶. حق قانون‌گذاری حکومت دینی همان ولایت تشریحی است که برای پیامبر، امام و فقیه ذکر شده است.

۷. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۳.

تدوین شده است.

- این قوانین، عقلایی و مطابق وجدان بشری است.

- این قوانین به دنبال تکامل انسان و جامعه است تا رشد مادی و معنوی به صورت متوازن ایجاد شود.

- این قوانین در حکومت‌های سکولار مثل امریکا وجود ندارد.

۲. قوانین حکومتی^۱

- این قوانین در حکومت دینی، در زمان و مکان معین، برای رفع نیازهای آن جامعه^۲ و منافع مردم در جهت تحقق اهداف حکومت وضع می شود.

- این قوانین شامل قانون اساسی، قوانین عادی و آیین نامه‌هاست.

- این قوانین نباید با قوانین اولیه مغایرت داشته باشد.

- این قوانین با تحولات اجتماعی قابل تغییر است، مثل: قوانین راهنمایی و رانندگی، نظام وظیفه، گمرک، دانشگاهها، بانک و... .

- این قوانین در حکومت‌های سکولار مثل امریکا نیز هست که طبیعتاً شرط عدم مغایرت با قوانین اولیه را ندارد.

۳. قوانین ثانویه^۳

- این قوانین در شرایط اضطراری (عسر و حرج) وضع می شود که در اصطلاح حقوقی شرایط فوق العاده می نامند.

- این قوانین برای مدتی معین که اضطرار وجود دارد، وضع می شود و با روند عادی در قوانین اولیه و قانون اساسی مغایرت دارد.

۱. همان، ج ۱۹، ص ۲۶۲، ج ۲۱، ص ۴۶ به بعد، ج ۲۰، ص ۱۶۳.

۲. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش «اقتصاد وسیله است نه هدف».

۳. در این زمینه ر. ک: صحیفه نور، ج ۲۱ ص ۱۸۷، ج ۲۰ ص ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷ و ۱۷۳. (البته در این متون احکام حکومتی به صراحت از ثانویه جدا نشده است.)

«قوانین اولیه» این اختیار را به حکومت دینی داده^۱ و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز چنین فرازی آمده است.^۲

طبق این سازوکار حقوقی، حکومت با صدور جواز حرام کوچک‌تر مانع یک حرام بزرگ‌تر می‌شود. (دفع افسد به فاسد)، یعنی در بحرانهای اجتماعی، حکومت دینی می‌تواند برای حل بحرانی که فساد بزرگ اجتماعی به دنبال دارد، برخی از قوانین کم‌اهمیت را موقتاً به حال تعلیق درآورد، مثلاً در وضعیت بحران مسکن، با قانون ثانویه می‌تواند موقتاً منازل اضافی افراد را بدون اجازه مالک به افراد مضطر اجاره دهد و پول را به مالک برگرداند.^۳

قانون ثانویه در حقوق اساسی مدرن

اختیار وضع قانون ثانویه در حقوق اساسی دینی، مشابه همان اختیار فوق العاده‌ای است که در

۱. آیات قرآن و روایات زیادی مربوط به سازوکار قانون ثانویه است که در زیر به برخی اشاره می‌شود:

آیات قرآن

۱. «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم؛ از (دستورات) خدا و پیامبر و رهبران حکومت (دینی) اطاعت کنید.» (نساء / ۵۸/)

۲. «ما جعل عليكم في الدين من حرج ۳؛ دین برای شما رنج و مشقت قرار نداده است.» (حج / ۷۸/)

۳. «یرید الله بكم اليسر و لا یرید بكم العسر؛ خداوند برای شما (تکلیف را) آسان گرفته و برای شما (تکلیف) مشکل نمی‌خواهد.» (بقره / ۱۸۵/)

از مجموع سه آیه فوق نتیجه می‌گیریم اگر حکومت دینی برای رفع عسر و حرج قانونی (قانون ثانویه)، وضع کند لازم‌الاطاعة است.

احادیث

۱. «ما من شئین حرمة الله الا وقد احله لمن اضطر علیه؛ هر چیزی را که خدا حرام کرده، برای فرد مضطر حلال کرده است.»

۲. «الضرورات تبيح المحذورات؛ اضطرار باعث می‌شود چیزهای ممنوع، مباح شود.»

۳. «اذا تعارض مفسدان روعی اعظمهما ضرراً بارتكاب اخضهما؛ اگر فردی بین دو گناه مجبور به انتخاب یکی باشد، باید آن را که ضررش کمتر است انتخاب کند.»

(به نقل از: عبده بروجرودی محمد، کلیات حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، ص ۱ تا ۲۲).

حضرت مهدی (عج): «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجت الله علیهم؛ در هنگام حادثه به عالمان احادیث مراجعه کنید. آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها هستم.» و علی عليه السلام: «العلماء

حکام علی الناس؛ عالمان (دین) حاکم بر جامعه‌اند.» (به نقل از: امام خمینی، ولایت فقیه، بی تا، ص ۱۲۹).

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۱۰، بند ۸.

۳. ر. ک. پاورقی ش ۶۱.

حقوق اساسی برای رئیس کشور در نظر گرفته می شود.

به عنوان مثال بر اساس ماده ۱۶ قانون اساسی فرانسه، رئیس جمهور می تواند وضعیت فوق العاده در کشور اعلام کند و خودش به جای پارلمان قانون وضع کند و دستورات او برای همه نهادها لازم الاتباع است.

در جمهوری اسلامی ایران بر اساس قرآن، احادیث و قانون اساسی، رهبر چنین اختیاری دارد که در شرایط اضطراری و در بن بستهای حقوقی از طریق فوق عادی اقدام کند، مثل تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ توسط امام خمینی؛ با اینکه چنین سازوکاری در قانون اساسی پیش بینی نشده بود.^۱

این اقدامات، غیر قانونی نیست؛ بلکه از نظر حقوقی فوق قانون هم تعبیر نمی کنند؛ زیرا با مجوز قانون صورت می گیرد؛ لذا برای تئوری شیعه که چنین سازوکار حقوقی را (که امروزه در سیستمهای مدرن به کار گرفته می شود) صدها سال قبل، جهت حکومت دینی پیش بینی کرده، افتخارآمیز است. اختیارات مذکور در فقه شیعه تحت عنوان ولایت مطلقه آمده است.

مفهوم واژه مطلقه در ادبیات سیاسی فقهای شیعه

بین فقهای شیعه در موضوع ولایت فقیه دو رویکرد اصلی وجود داشته است.

الف) ولایت مقیده فقیه: فقهای این نحله معتقد بودند اختیارات فقیه به اندازه اختیارات امام معصوم نیست؛ زیرا اولاً: علم و عدالت فقیه به اندازه معصومان؛ نیست. ثانیاً حدیث «لا ولایه لمن لا یجوز له»^۲ مانع ولایت مطلقه فقیه می شود؛ لذا ولایت فقیه در برخی امور مثل قضا، امور حسبیه و فتوا محدود می شود.^۳

ب) ولایت مطلقه فقیه: فقهای این نحله با استناد به آیات قرآن و احادیث متعدد (که قبلاً در این فصل ذکر شد) و با دلایل عقلی، رویکرد فوق را رد می کنند و ولایت فقیه را محدود به بخش خاصی از امور اجتماعی نمی دانند؛ بلکه آن را به اندازه ولایت معصومان؛ می دانند؛ لذا از واژه مطلقه - در مقابل واژه مقیده - استفاده می کنند، یعنی اختیارات کامل در مقابل

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۲۲.

۲. کسی ولایتی بر دیگران نمی تواند داشته باشد؛ مگر اینکه در متون دینی آن را ذکر کرده باشند.

۳. ر. ک: صافی، لطف الله، ضرورت وجود الحکومه او ولایة الفقه فی عصر الغیبة.

اختیارات ناقص.

قطعا منظور این نظریه پردازان از ولایت مطلقه «دیکتاتوری» و بی قانونی نبوده است. همان‌گونه که امام خمینی می‌فرماید:

اشخاصی که از برنامه های اسلام اطلاعی ندارند گمان می‌کنند ولایت فقیه اسباب دیکتاتوری می‌شود در صورتی که ولایت فقیه جلوی دیکتاتوری را می‌گیرد. حکومت اسلامی حکومت قانون الهی است و پیامبر و امیرالمؤمنین هم تابع قانون بودند و نمی‌توانستند یک قدم از قانون تخلف کنند. اسلام، دیکتاتوری ندارد و آن کسانی که پاسدار اسلام‌اند اگر بخواهند دیکتاتوری کنند به حکم اسلام از پاسداری ساقط می‌شوند.^۱

رویکرد اول بر اساس علم مدیریت و علم حقوق اساسی مخدوش است، زیرا از نظر مدیریت پذیرفتنی نیست که اختیارات مدیر یک نهاد را براساس معلومات مدیران، کم و زیاد نمایند، یعنی اگر مدیر جدید سازمانی، معلوماتش کمتر از مدیر قبلی باشد، اختیارات او را نیز چند درصد کاهش دهند.

همچنین در حقوق اساسی، حاکمیت^۲ امری تجزیه ناپذیر است و نمی‌توان آن را تقلیل داد و بخشی از حاکمیت را به نهادی غیر از حکومت سپرد. در حالی که بر اساس رویکرد اول، حکومت دینی در زمان غیبت امام معصوم، بخشی از حاکمیت را نمی‌تواند اعمال نماید. مثلاً وضع قانون ثانویه یا فوق‌العاده را ندارد یا حق وضع برخی قوانین حکومتی را نیز ندارند.

تفاوت ولایت مطلقه و سلطنت مطلقه

متأسفانه به دلیل تشابه لفظی ولایت مطلقه با سلطنت مطلقه در اندیشه سیاسی غرب، این شبهه در محافل آکادمیک ایجاد شده است که ولایت مطلقه همان حکومت دیکتاتوری است؛ در حالی که لفظ مطلقه در متون دینی با سلطنت مطلقه هیچ تشابه معنایی ندارد؛ زیرا اولاً؛ در

۱. امام خمینی، رساله نوین، ج ۴، ص ۱۵۷.

سلطنت مطلقه، رهبری حکومت موروثی است و هیچ قید و شرطی ندارد؛ جز اینکه رهبر، پسر ارشد یا همسر شاه قبلی باشد. در حالی که رهبری در جمهوری اسلامی ایران منتخب مردم است؛ بدین صورت که مجلس خبرگان منتخب مردم با در نظر گرفتن شرایط مذکور در قانون اساسی^۱ (مثل علم و عدالت و ...) فردی را به عنوان رهبر انتخاب می‌کند^۲ و هر زمان وی این خصائص را از دست دهد، صلاحیت رهبری را از دست می‌دهد.^۳

ثانیاً: در سلطنت مطلقه، فرامین شخص پادشاه همان قانون است. (قانون یعنی شاه) و اساساً در چنین حکومتی قانون اساسی و نهادهای قانون‌گذاری مردمی وجود ندارد؛^۴ اما قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران توسط مجلس منتخب مردم صورت می‌گیرد. (اعم از قانون اساسی و قانون عادی).

همچنین قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران شرایطی دارد که رعایت آنها الزامی است، مثلاً قانون عادی نباید مغایر قانون اساسی باشد و قانون حکومتی نباید مغایر قانون اولیه دینی باشد و قانون ثانویه به شرط جلوگیری از یک حرام بزرگ‌تر (و فقط در مدت اضطرار) وضع می‌شود.

ثالثاً: در سلطنت مطلقه، شاه در مقابل هیچ نهادی مسئول نیست؛ یعنی هیچ نهادی حق نظارت بر سلطنت را ندارد؛ در حالیکه در جمهوری اسلامی ایران همواره رهبر تحت نظارت مجلس خبرگان است و به محض اینکه شرایط رهبری را از دست بدهد، عزل می‌شود.^۵

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۰۹.

۲. در نظامهای دموکراتیک، انتخابات به دو گونه صورت می‌گیرد؛ ۱. انتخابات مستقیم: انتخابات رئیس جمهور در مدلهای ریاستی و نیمه ریاستی (مثل ایران و آمریکا) و نمایندگان مجالس در کلیه کشورها ۲. انتخابات غیر مستقیم: انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر در مدلهای پارلمانی (مثل آلمان و پاکستان) و انتخاب رهبر در ایران.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۱۱.

۴. در برخی از حکومتهای مطلقه در گذشته و حال، مجالس مشورتی مشکل از اشراف وجود داشته است و دارد؛ همچون مجلس «مهستان» در پادشاهی ایران قبل از اسلام و مجلس عربستان در حال حاضر.

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۱۱.

کتابشناسی:

- امام خمینی، رساله نوین، ج ۴، بی آزار شیرازی، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۹، ۲۰ و ۲۱.
- صافی، لطف‌الله، ضرورت وجود الحكومة او ولایة الفقها فی عصر الغیبة، دارالقرآن کریم، قم، ۱۴۱۵.
- صفار، محمدجواد، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲.
- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چ دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی